۲۱۳ - ای ياران يزدانی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۱۳ - ای ياران يزدانی

ای ياران يزدانی، لاهيجان جان و هيجان داشت شعله نورانی زد آتش عشق بر افروخت پرده های اوهام بسوخت جانهای پاک تابناک گشت و دلها نغمه سوزناک بر آورد بزم الفت آراسته شد و جشن محبّت شب و روز پيوسته گشت تا آنکه باد بيدادی وزيد و غباری بر انگيخت و ضوضاء شديد برخاست ياران بی سر و سامان شدند و عاشقان همدم پراکنده و پريشان گشتند ولی دست غيب در کار است و عون و عنايت واضح و آشکار بايد در راه وفا تحمّل جفا کرد و به تيغ و تير از ميدان در نرفت قدم راسخ نمود و قلب ثابت کرد و در جهان واضح و مدلّل نمود که اهل وفا بجفا آزرده نگردند وعاشقان روی دوست بظلم اهل بغضا پژمرده نشوند بلکه شدّت جفا سبب ظهور وفاست و صبر و تحمّل شاهد اصدق محبّت و ولاست عاشقان حقيقی زهر فنا را شهد بقا شمرند و جام تلخ را ساغر نوشين دانند لهذا وقت الفت و محبّت و مؤانست و خلّت است پس بزم انس بيارائيد و جشن تجلّی فيوضات روح القدس ترتيب دهيد هر يک مطرب بديع گرديد و چنگ بشارت کبری ساز کنيد و بعود و رود محبّت اللّه نغمه آغاز کنيد چنان نشئه‌ای بر انگيزيد که از روايح طيّبه محافل شما مشام اين مشتاقان مشکبيز گردد و بحلاوت محبّتتان کام شيرين نمايد.

الهی الهی هؤلآء عباد انقطعوا عن الدّنيا و انجذبوا بنفثات روح القدس من الملأ الاعلی و اشتعلوا بنار محبّتک بين الوری و توجّهوا الی ملکوت العلی و تمنّوا السّعی فی مشهد الفداء حبّاً بطلعتک النّوراء و خرّوا سجّداً رکّعاً و قاموا علی العبوديّة لعتبتک العليا و تحمّلوا کلّ مشقّة و بلاء و ما وَنَوا و ما وهنوا عند هجوم الاشقياء بل ضجّوا ضجيج المشتاقين و قالوا الرّوح لک الفداء يا محبوب الوفاء ربّ قدّر لهم کلّ خير فی الآخرة و الاولی و احفظهم فی صون حمايتک و احرسهم بعين حفظک و کلائتک انّک انت الکريم الرّحيم العزيز الوهّاب.

